

مفاهیم و  
واژگان  
جامعه‌شناسی

حدود چهاردهه است که دانش پژوهان در ایران با مفهومی  
جامعه‌شناسی آشنا شده‌اند و هنوز کتابی جامع که مفاهیم و  
واژگان جامعه‌شناسی در آن گردآوری شده باشد فراهم نشده و  
فرهنگ پژوهان باین کار درخور توجه و پر رنج دست نیازیده‌اند .  
در این مدت نیاز به تدوین و ترجمهٔ چنین مجموعه‌یی همواره  
احساس‌گردیده‌است و به‌مین سبب آقای "دکتر باقر ساروخانی"  
دانشیار دانشگاه اینکار مهم را از زبانهای فرانسه و انگلیسی  
بعبه‌گرفته‌اند. آنچه در این صفحات می‌آید مفاهیمی است  
اساسی در جامعه‌شناسی که بعد از این بطور منظم توسط این  
مجله انتشار خواهد یافت . مفاهیم و اصطلاحاتی که تدوین  
شده برداشتی از فرهنگها و دایرةالمعارفهای گوناگون است  
و بیشترین سود از کتاب :

Birou, A, Vocabulaire Pratique des  
Sciences Sociales, Edition Economie et  
Humanisme, les Edition Ouvrieres, Paris,  
1966.

گرفته شده است. امید است با انتشار این واژگان و مفاهیم که  
بحق الفبای دانش اجتماعی را پی میریزد و فهم و درک این  
دانش را سهل و ممکن میسازد، خدمتی به علوم اجتماعی کرده باشیم .

\*\*\*

فارسی	انگلیسی	فرانسه
نماد	Symbol	Symbole

از واژهٔ یونانی Sumbolon بمعنای نشانه و علامت گرفته شده است و واژه‌یی است  
با کار بردی بسیار گسترده در علوم انسانی و اجتماعی . بدرستی میتوان گفت یک پرچم  
نمادی است که ویژگیهای یک ملت را مشخص میدارد. در مراسم ملی، هر عمل، نمادی است

که از روزگاران دیرین برجای مانده و مظهر ابدیت یک قوم ، یا یک نژاد است و پیوند نسلهای آن در خلال اعصار قرون . بدینسان واژه‌ها نیز هریک نمادند . چه ، هر واژه معنایی را مشخص میکند .

نمادها از دو دیدگاه قابل مطالعه‌اند :

- ۱ - بمعنای محدود کلمه ، نماد جلوه‌ی است عینی که واقعیتی مجرد را مجسم میدارد . عبارت دیگر ، نماد ، نشان یا علامتی است که برای تجسم واقعیتی غیر مادی بکار میرود .
  - ۲ - در معنای کلی ، نماد بمعنای نشانی است قراردادی ، مخصوص رشته‌ی از دانش که در مجموعه آن دانش ، با ایجاد ترکیبات گوناگون مدد میرساند .
- از دیدگاه جامعه‌شناسی ، نمادها جلوه‌هایی هستند عینی از معناهاییکه توسط همه اعضای جامعه شناخته شده‌اند . بدین معنی نمادهای جمعی نظیر آداب و رسوم نشانه‌هایی هستند که توسط جمع پذیرفته و شناخته شده‌اند و مظهر تداوم هویت یک قوم یا یک گروه هستند .

فارسی	انگلیسی	فرانسه
نقشهای اجتماعی	Social Roles	Roles Sociaux

رفتار یا کارگرد فرد در درون یک گروه ، یک جمعیت ، یک جامعه ، نقش اجتماعی او خوانده میشود . پس نقش اجتماعی از سویی پاسخگو است بانتظار دیگران و از سویی دیگر رفتار هر فرد را برحسب انگاره‌های اجتماعی و فرهنگی تعیین میکند .

این واژه ، از روانشناسی اجتماعی منشاء میگیرد و در واقع بنیانگذار آن " میلد " (G. H. Mead) میباشد . بنظر " لینتون " (R. Linton) مجموعه الگوهای فرهنگی که وابسته بیک " پایگاه " (الف - Status ، ب - Statut) هستند ، نقش خوانده میشوند ، بدین معنی ، نقش شامل همه آرزوها ، نظرات و رفتاری میشود که یک جامعه به فرد یا افرادی که پایگاهی خاص دارند ، محول میکند . نظرات زیر در مورد نقشهای اجتماعی مطرحند :

- نقشهای یک انسان گاه در تعارض با یکدیگر قرار میگیرند ، از اینجاست که " تضادهای درونی " (Conflicts Internes - Internal Com Flicts) نقشها مطرح میشوند .

- با توجه به حرکت جامعه و دگرگونیهای بنیادی و سریع آن در همه سطوح هر انسان در هر آن نیازمند به انطباق دائم با شرایط خاص و دگرگونی نقشهای خود است .

با توجه به نکاتی که یاد آوری شد، انواع گوناگونی از نقشهای اجتماعی قابل تشخیص اند:

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Roles Sociaux Structures	- Structured Social Roles	نقشهای اجتماعی ساخت‌دار
Roles Sociaux Organises	- Organized Social Roles	نقشهای اجتماعی سازمان‌یافته
Roles Sociaux Privileges	- Privileged Social Roles	نقشهای اجتماعی ممتاز
Roles Sociaux Symboliques	- Symbolic Social Roles	نقشهای اجتماعی نمادی
Roles Sociaux Habituels	- Usual Social Roles	نقشهای اجتماعی معمولی
Roles Sociaux Inattendus	- Unexpected Social Roles	نقشهای اجتماعی غیرمنتظر
Roles Sociaux Irreels	- Unreal Social Roles	نقشهای اجتماعی غیرواقعی
Roles Sociaux Reels	- Real Social Roles	نقشهای اجتماعی واقعی

با توجه به میزان پذیرش و "درونی شدن" (Interioriser, Interriorize) و یا تحمیلی بودن نقشهای اجتماعی میتوان دو نوع دیگر از نقشهای اجتماعی را تمیز داد:

Roles Sociaux Imposes	- Imposes Social Roles	نقشهای اجتماعی تحمیلی
Roles Sociaux Acceptes	- Accepted Social Roles	نقشهای اجتماعی پذیرفته

جامعه به هر پایگاه، شبکه‌یی از نقشها را تفویض میکند، اما هرگز هیچکس عیناً مانند دیگران نقشهای خود را در عمل پیاده نمی‌نماید. بعنوان مثال، جامعه انگاره‌هایی خاص برای رفتار هر معلم تعبیه کرده که عدم تحقق هر یک از آنان موجب تعجب اعضای جامعه میشود، اما هرگز هیچ معلمی همانند دیگران عمل نمی‌کند، چه او خود مانند دیگران نیست و بدینسان نقشهای اجتماعی به‌نگام تحقق، آمیزه‌ئی از انگاره‌ها، الگوهای اجتماعی و شرایط و ویژگیهای فردی را به منضمه ظهور میگذارند.

پس، از دیدگاه تحقق نقشها میتوان نقشها را بدو صورت تقسیم کرد:

Roles Sociaux Assignes	- Assigned Social Roles	نقشهای اجتماعی محول
Roles Sociaux Assumes	- Achieved Social Roles	نقشهای اجتماعی محقق

در زمینه پرورش شخصیت و یادگیری نقشهای اجتماعی، سه مرحله تشخیص میدهند: مرحله تقلید کورکورانه، مرحله بازی فردی و مرحله بازی گروهی.

هر فرد بطور معمول در حیات گروههای گوناگون مانند خانواده، سندیکا، حزب، گروههای شغلی شرکت میکند و در هر یک از آنان نقشی خاص، با منزلتی مخصوص بدو تفویض میشود. بعنوان مثال، زنیکه در حیات شغلی مسئولیتی خاص چون بک مدیر، یا بیک رئیس را

بعده دارد و لزوماً "نقشهایی که مبتنی بر تحکم، فرماندهی و تحکم ایفاء میکند، در حالیکه در خانه بعنوان یک مادر یا همسر نقشهایی بکلی متمایز بدو تفویض میشود، و در نتیجه دچار مشکلاتی چند در انطباق سریع خود با تمامی این نقشها با ماهیت متفاوت میگردد. در نقشهای نوع اول، خونسردی، جبروت و تسلط و ویژگیهای تحقق نقش را تعیین میکند، و حال آنکه در نقشهای نوع دوم، مهربانی، پذیرش و عطوفت حائز اهمیت اند. گاه یک لحظه ناخبر در انطباق با شرایط نو و نگهداری هاله‌بی از نقش پیشین موجب بروز تنازع یا عدم کارآیی میشود.

فارسی	انگلیسی	فرانسه
نژادپرستی	Racism	Racisme

نژادپرستی هم در نظر و هم در عمل تجلی یافته و عبارتست از تصور رجحان گروهی بر گروه دیگر بر اساس رنگ پوست یا دیگر ویژگیهای جسمانی. بسیاری را عقیده بر این است که اولین صاحب نظر برجسته نژادپرستی که صورتی نظری بدان بخشیده "کنت دوگوبینو" (Comte de Gobineau) است. "گوبینو" با کتاب معروفش تحت عنوان "رساله‌بی در نابرابری نژادهای انسانی" (Essai Sur L'Ingalite des Races Humaines) که در سال ۱۸۵۴ به نگارش درآورد، این میحت را مورد مدافه قرار داد.

نژاد پرستی، همچنانکه از نامش بر میآید موجبات پیدایی روابطی بین نژاد برتر و نژاد کمتر را پدید میآورد که برخی از آنان چنین اند:

فارسی	انگلیسی	فرانسه
روابط مبتنی بر تسلط	Rapports de Domination- Relations Based on Domination	
روابط مبتنی بر جدایی	Rapports de Segregation- Relations Based on Segregation	
روابط مبتنی بر جدایی از نظر زوجیت که با تحریم ازدواج بین نژاد برتر و گروههای وابسته به نژاد کمتر صورت میگردد.	Rapports d'Isollement Matrimonial- Relations Based on Matrimonial Isolation	
	Rapports de Discrimination- Relations Based on Discrimination	

روابط مبتنی بر تبعیض

از اینرو، در چارچوب نژاد پرستی و بعنوان نتیجه اجتناب ناپذیر این طرز تلقی، هر آنچه امتیاز شناخته میشود، به اعضای نژاد برتر تعلق میگیرد و هر آنچه غیر ممتاز، مآدون و ناشی از رنج و تحمل است به نژاد کمتر یا مآدون یا به اصطلاح "پست".  
از دیدگاه نژاد پرستی، چنانچه نیروی کار نژاد پست بکار نیاید - مخصوصاً آنگاه که نژاد مسلط، افراد نژاد مورد تسلط را ناپاک یا از نظر تکوین ژنتیک، ماقبل انسان با

از نظر هوش پست‌تر و یا از نظر جنائی مستعدتر در عمل جنائی تلقی کند - روابط تازه‌یی متجلی میشود که آنرا چنین میخوانند :

Rapports d'Extermination- Relations Basées on Extermination

روابط مبتنی بر نابودی نسل

در اصطلاح وسیعتر، نژاد پرستی راه‌گونه‌عملی میخوانند که موجبات ارائه امتیازاتی خاص را به گروهی ویژه بر اساس خصوصیات جسمانی و یا قدرت مسلط فراهم آورد . در تاریخ مکاتب سیاسی گوناگونی ، نژادپرستی را سنگ اصلی بنای خود قرار دادند که یکی از مهمترین آنان " نازیسم " (Nazisme- Nazism) است که با نظریه‌یی مبتنی بر "پان‌ژرمنیسم" (Pan Germanism) به جنایاتی هولناک علیه انسانیت دست زد . نژادپرستی برپایه، منهیانی که پدید می‌آورد و درجات آنان و همچنین اشکال خاصی از روابط اجتماعی که تعبیه میکند و همچنین صور خاصی که در قوانین اجتماعی بوجود می‌آورد ، انواع بسیار مییابد که یکی از مهمترین آنان را "آپارتاید" ( Apartheid ) میخوانند که کشورهای نظیر آفریقای جنوبی و رودزیای سابق در تجلی نام آن کوش ورزیدند .

زیر نویس ها

۱ - مخفف انگلیسی است .

۲ - مخفف فرانسه است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی